

تأثیر مداخلات کوچک مقیاس بر الگوی رفتاری کاربران در زمین های شهری بایر

چکیده

فضاهای متروک شهری می توانند به عنصری ارزشمند و کارآمد در فضاهای سبز شهری مبدل گردند: فضاهای بایر از لحاظ محیطی متنوع بوده و وضعیت غیر کنترل آنها می تواند فعالیت های نوآورانه را تحریک کرده و طیف گسترده ای از کاربران را به سوی خود جذب کند. با توجه به استفاده از زمین های متروک در تالین^۱، استونی^۲، این مقاله به دنبال ارزیابی و بررسی این گونه فضاها و تأثیر مداخلات طراحی کوچک مقیاس، به اصطلاح "طب سوزنی شهری" بر آنها می باشد. در این مطالعه از روش مشاهدات میدانی و بررسی الگوی رفتاری برای مقایسه ی نحوه ی واکنش کاربران قبل و پیش از مداخلات جزئی استفاده شده است. باوجود استفاده های گسترده در پیش از این اقدامات، اما پس از آن شاهد افزایش چشمگیر کاربری و همچنین تفاوت الگوی رفتاری کاربران با توجه به ویژگی های محیطی به چشم می خورد. با توجه به این مطالعه، انجام مداخلات کوچک می تواند تأثیر به سزایی در میزان استقبال بانوان و افراد سالمند داشته و سبب افزایش تعداد بازدید کلی و وقوع فعالیت های پرتحرک در مجموعه می شود. این تحقیق نشان می دهد که مداخلات کوچک و موقت می تواند تأثیرات قابل توجهی به همراه داشته باشد.

معرفی:

در مواجهه با زمین های متروک احساسات و عقاید مختلفی وجود دارد. برخی معتقدند که این زمین ها چهره های زشت و نامناسب دارند (آرماسترانگ^۳، ۲۰۰۶) و بایستی پاک سازی و از نو ساخته شود. از سویی دیگر، چهره و شخصیت

¹ Tallinn

² Estonia'

³ Armstrong,

مخرویه آن می‌تواند نشانی از غیاب حضور گذشته بوده و چون کتابی داستان‌های متعددی در دل داشته‌باشد (ادنسور ۴، 2008)، یا به عنوان محیطی غنی حس بداهه‌گویی را در فرد زنده کند (ادنسور، 2008؛ فرانک ۵ و استیونز ۶، 2007؛ انت ۷ و همکاران، 2013). این سوال که بازخوردهای متفاوت مردم و دید آنها نسبت به ارزش‌های موجود در اینگونه فضاها تنها در زمان اعطای کاربری‌های تازه به آنها (فضاها) مطرح گشته اما در مستندسازی جامع این فضاها و تکامل آنها در طول زمان مورد بی توجهی قرار می‌گیرد.

هدف اصلی این مقاله آن است تا علاوه بر تاکید بر ارزش‌های وجودی فضاها، متروک شهری، به معرفی زمین بایر در شهر تالین در کشور استونی بپردازد تا تاثیر مداخلات جزئی در چنین فضاها و برالگوی رفتاری کاربران آنها روشن گردد. این فضاها، متروک بدون آنکه نیازی به ساخت پارک یا زمین بازی داشته‌باشند می‌توانند به عنوان فضای عمومی شهری جذاب و یا فضایی سبز عمل کند. این مقاله به مقایسه‌ی الگوی رفتاری کاربران قبل و بعد از انجام مداخلات جزئی می‌پردازد تا به تاثیر گسترده چنین تغییرات کوچکی بر قابلیت استفاده از این فضاها پی برد.

در بسیاری از نمونه‌های اخیر اراضی متروک شهری، مخصوصا با توجه به بحران‌های اقتصادی در این سال‌ها، مداخلات گسترده و بزرگ مقیاس به دلیل مشکلات مالی و یا محدودیت‌های قانونی امکان‌پذیر نیست. از این رو در فضاها، متروک و رها شده اغلب تغییرات و مداخلت جزئی صورت می‌گیرد که تاثیرات مثبت و منفی به همراه خواهد داشت. روش طب سوزنی روشی است که اولین بار توسط ماکرو کاساگرند^۴ شهرساز فنلاندی^۵ (کاساگرند، 2010) و معمار احیاکننده‌ی شهر، جیمی لرنر^۶ مطرح شد، این روش با ایده از طب سوزنی راهکارهایی کوچ را برای حل مشکلات بزرگ پیشنهاد می‌دهد. با توجه به این روش، یک شهر را می‌توان به عنوان یک موجود زنده ای در نظر گرفت. حال آنکه این موجود زنده از نقاط تکیه‌گاه خاص یا مکان‌هایی با پتانسیل بالای به عنوان کاتالیزور و موثر بر کل شهر تشکیل شده‌است. در رویکرد طب سوزنی شهری، به نقاطی بحرانی و تاثیرگذار

⁴ Edensor

⁵ Frank

⁶ Stevens

⁷ Unt

⁸ Marco Casagrandes

⁹ Finnish

¹⁰ Jamie Lerner's

توجه می‌شود تا بتواند تاثیری شگرف بر کل شهر بگذارد. در اینجا نقش اصلی با توانایی‌های محلی به وجود می‌آید و نیازی به تغییرات فضایی اساسی و چشمگیر نیست. مثال‌های معمول شامل فعالیت‌های اجتماع-محور با بودجه‌های محدود است که اغلب در طبیعت به چشم می‌خورند. با این حال که اغلب ممکن نیست تا با بررسی و ارزیابی شرایط قبل و بعد، به اثرات واقعی آن بر روی جامعه و کاربران فضا پی برد، بندرگاه ماهی‌گیری در تالین و روش طب سوزنی آن فرصتی برای آزمایش این اثر را فراهم می‌کند

استفاده از ابزار مشاهداتی در فهم رابطه محیطی-رفتاری:

تاکنون مطالعات زیادی با هدف بررسی جنبه‌های مختلف رابطه‌ی رفتاری-محیطی صورت گرفته‌است، از جمله تاثیر محیط بر رفتار کودکان (کیتا^{۱۱}، 2002، 2003)، تاثیر مثبت محیط طبیعی بر سلامت روان کودکان (روآ^{۱۲}، 2008؛ روآ و اسپینال^{۱۳}، 2011)، استفاده‌ی نوجوانان از فضاهای عمومی شهر (تراولو^{۱۴}، 2004، 2007) و نقش عناصر پارک‌های عمومی در درک فضایی افراد و گروه‌ها (گلیسنیک و وارد تامپسون، 2010) که تمامی آنها بر رابطه‌ی بازخورد احساسی افراد در مواجهه با منظر تاکید می‌کند که گیبسون^{۱۵} از آن تحت، فضای تاثیرگذار یاد می‌کند. در سال‌های اخیر، از میان تمام روش‌های مشاهده و بررسی در زمینه‌ی معماری منظر، طراحی شهری، برنامه‌ریزی شهری و یا پژوهش‌های فضای عمومی و شهری به بررسی الگوهای رفتاری توجه شده‌است. وظیفه‌ی هر طراح، ارائه‌ی راهکارهایی زیباشناسانه، مفید و با عملکرد درست است (لاسون^{۱۶}، 2005). از آنجایی که فضای شهری، به عنوان "محیط زندگی" تلقی می‌گردد، بررسی چگونگی استفاده‌ی مردم از آن، می‌تواند در فهم ارتباط میان مردم و آن فضا باشد. جمع‌آوری داده‌های تجربی با استفاده از روش‌های مشاهداتی در زمینه، سبب ارائه‌ی موضوع مرتبط با طراحی و تعریف پرسش‌های تحقیق می‌شود (گلیسنیک و وارد تامپسون، 2010). علاوه بر این، بر طبق گفته‌ی هافمن^{۱۷} و دیگران (2012) به جهت تطابق ایده‌های طراحی با نیازها و انتظارات مردم بایستی تا اولویت کاربران به عنوان

11 Kyttä,

12 Roe,

13 Aspinall,

14 Travlou

15 Gibson

16 Lawson

17 Hofmann

معیاری کلیدی در طراحی فضاهای باز قرار گیرد. مکان های متروک و رهاشده‌ی نیز از این موضوع مستثنی نبوده بلکه رفتار کاربران فعلی نقش تعیین‌کننده‌ای در عملکرد پیشنهادی آن داشته و مانع از حذف یا الحاق عناصری در معاصر سازی آن فضا گردد.

طبق گفته کوپر مارکوس و همکاران (1998)، هیچ سندی روشن از مشاهدات و تحقیقات در رابطه با استفاده از فضای عمومی تا قبل از اوایل دهه 1970 وجود نداشت. از آن زمان به بعد، پرسشنامه ها و نظرسنجی هایی برای شناسایی و فهم الگوهای استفاده واقعی پارک ها انجام شده است. بلافاصله پس از آن، در اواخر دهه 1970 و اوایل دهه 1980 زمینه‌های مربوط به پارک مرود مطالعه قرار گرفتند، که می‌توان به بررسی تأثیر برخی از انواع پوشش گیاهی در پارک‌ها و دلایل و اثرات خرابکاری در مکان‌های عمومی اشاره کرد. کوپر مارکوس و همکاران (1998، ص88) بیان می‌کند که بهترین ابزار برای به دست‌آوردن داده‌های مورد نیاز به جهت طراحی پارک، "مشارکت مستقیم ساکنان محلی، همراه با داده های رفتاری طبیعی ثبت شده"، است. جمع آوری اطلاعات در مورد عملکردهای موجود امری ضروری بای تصمیم‌گیری درست و اجتناب از اشتباهات جبران‌ناپذیر به شمار می‌رود. ماهیت بررسی الگوهای رفتاری، کشف رفتار و اولویت‌های کامل کاربرات در فضای باز نیست، بلکه منعکس کننده اثرات یک انتخاب خاص در آن محیط است. اغلب مطالعات صورت‌گرفته بر اولویت و رفتار کاربران یک محیط با ارائه‌ی تصاویری از محیط و توصیف آن انجام شده‌است (به عنوان مثال، کاپلن¹⁸، 2001؛ هافمن¹⁹ و همکاران، 2012؛ نورد²⁰ و Østby، 2013). بازخوردها برای اینگونه مطالعات به دلیل فاصله از محیط واقعی محدود می‌گردد و تنها به فهم شرایط منطبق با تصاویر موجود از محدوده شکل می‌گیرد. حال آنکه بررسی الگوی رفتاری یکی از ابزاری است که به مطالعه و بررسی افراد در محیط فیزیکی می‌پردازد.

طب سوزنی شهری:

این مقاله به بررسی فضایی متروک پرداخته تا بتواند چگونگی واکنش مردم به تغییرات جزئی مکانی را توضیح دهد. پیش از این آزمایش، فرضیه‌ای مطرح شد که تاثیر مداخلات جزئی فضایی بر کاربران را قابل‌توجه و گسترده

18 Kaplan,
19 Hofmann
20 Nordh

می‌پنداشت. این فرضیه بر مبنای ایده‌ی طب سوزنی شهری مطرح شده بود. طب سوزنی شهری، استراتژی تجربی است که تا کنون در نمونه‌های متعدد نوسازی شهری (چون نیو اورلینز، تیجوانا، کوریتیا، تایپه) (کروز، 2005؛ لاندري، 2005؛ کاساگرند، 2010؛ هاریسون، 2013) و موضوعات مختلفی از جمله برنامه‌ریزی حمل و نقل شهری (استوپار و ساوکیک، 2009)، نوسازی فضاهای بومی شهری (کاساگرند، 2010)، بازسازی پس از سانحه، توانبخشی معماری عشایر و ... مورد استفاده قرار گرفته است. با وجود استفاده‌ی متعدد از این استراتژی در پروژه‌های اجرایی اما تا کنون از سوی فضای آکادمیک و تحصیلی توجه‌ای به آن نشده است.

طب سوزنی شهری نوعی از تکنیک شهرسازی با رویکر پایین به بالا (جز به کل) است که برای حل مسائل و مشکلات محدوده از پتانسیل‌های محلی استفاده می‌کند. این رویکرد، واکنشی انتقادی نسبت به رویکرد کلی‌نگر در توسعه‌ی شهری می‌باشد (کاساگرند، 2010). این روش به خودی خودی تفکری نو نیست، اما در مواجهه با ایده‌های واقع‌گرایانه و مسئولانه به عنوان مفهومی هدایتی عمل می‌کند.

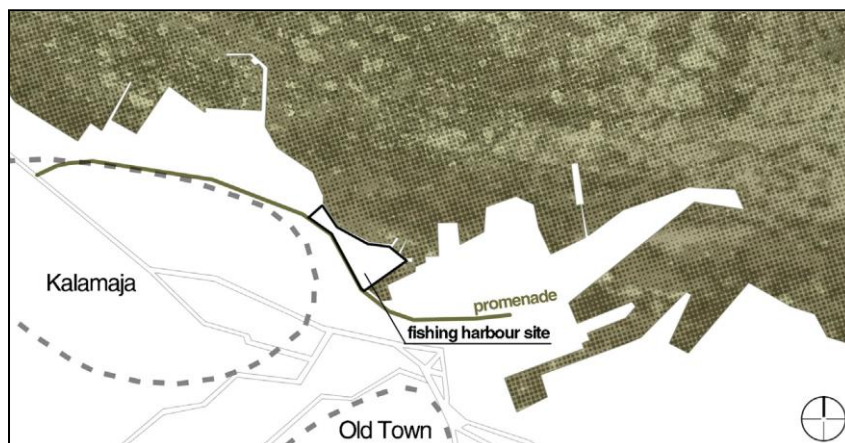
مارکو کاساگرند، معمار و نوآور شهری از روش طب سوزنی شهری در طبقات مختلف شهر یا هدف آشکارسازی ارزش‌های اجتماعی پنهان آنها استفاده می‌کند. بسیاری از شهرها به تدریج و با روند صنعتی شدن، تغییر کرده اما آرمان‌های آنها در معاصر سازی شهری هویت روشنی ندارد. طبق گفته کاساگرند، نوعی "انرژی خیابانی انسانی" (کاساگرند، 2010، ص 1) دارای پتانسیل بزرگی به جهت بیداری بوم شناختی شهری است (کاساگرند، 2010؛ هریسون²¹، 2013). منظر سوم شهری (ولتمن-آرون، 2005) یا شهر نسل سوم (هریسون، 2013)، بحثی است که بر اساس فعالیت‌های انسانی صورت گرفته در مکان‌ها یا سایت‌هایی با وضعیت و مالکیت نامشخص شکل گرفته است. شهر نسل اول نشان‌دهنده‌ی محدوده‌ی متوسط شهری است که با محدودیت‌های موجود احترام گذاشته و در قالب آنها شکل گرفته است. شهر نسل دوم، یک محیط شهری صنعتی است که از منابع موجود بهره برداری می‌کند؛ و اما نسل سوم همان گونه که کاساگرند ادعا می‌کند یک لایه شهری نوظهور و حساس است که از لحاظ اجتماعی و

زیست‌شناختی، متنوع، تجربی و پایدار بوده و مداخلات حداقلی در آن صورت گرفته‌است (کاساگرند، 2010؛ هریسون، 2013).

از آن رو که منظر سوم شهری یا شهر نسل سوم، بیش از اهداف اقتصادی به رویکردهای زیست‌محیطی توجه داشته و به عنوان "تخریب آلی شهر صنعتی" شناخته می‌شود (هریسون، 2013، صفحه 309، با اشاره به کاساگرند)، استراتژی طب سوزنی شهری، روش‌های مناسبی برای تغییر و تحول (در شهر) ارائه می‌دهد. این روش به منظور صرفه‌جویی در نیرو و هزینه، بر بازیافت مصالح، سیستم و ایده تاکید می‌کند. اگر که نقاط بحرانی محدوده به درستی انتخاب شود، این استراتژی و رویکرد می‌تواند تأثیری شگرف و جسورانه داشته باشد. نمونه‌های مورد مطالعه در این مقاله نیز قصد ارائه‌ی ویژگی‌های مشابه را دارد. این محوطه که در حال حاضر متروک مانده و بخش بزرگی از آن تخریب شده، توسط گروهی از آشوب‌طلب‌های شهری و فعالان مورد استفاده قرار گرفته‌است. همچنین، مجموعه تغییرات مکانی جزئی با هدف ارتقای کیفیت محیط نیز در آن صورت گرفته است. از این رو می‌توان با انجام نظرسنجی و بررسی رفتار کاربران قبل و بعد از این اقدامات، تأثیر طب سوزنی را مشاهده کرد.

اهداف و موضوعات تحقیق

این تحقیق شامل اقدامات میدانی و تجزیه و تحلیل داده‌ها است که خروجی آن می‌تواند به راحتی در برنامه ریزی و طراحی شهری مورد استفاده قرار گیرد؛ تا بتوان به فهم جامعی از نحوه‌ی ارتباط متقابل الگوی رفتاری کاربر با ویژگی‌های مکان و چگونگی تغییر آن (الگوی رفتاری) بر اثر تغییر ویژگی‌های فضایی و فیزیکی مکان دست یافت. این تحقیق به دنبال آن است که بتواند به سوالات زیر پاسخ دهد: اولاً، کاربران به کدام فعالیت‌ها در فضایی سبز شهری و غیرقابل کنترل مشغول می‌باشند؟ دوماً، مداخلات جزئی در طراحی تا چه میزان می‌تواند بر انتخاب‌های عملکردی فضایی کاربران تأثیر بگذارد؟



شکل شماره 1: موقعیت محدوده‌ی مورد مطالعه در حدفاصل شهر تاریخی تالین و خلیج فنلاند. منطقه‌ی مسکونی جدیدی در میان دریا و گردشگاه موقت فعلی طراحی شده‌است.

امکانات و روش‌ها

انتخاب سایت

سایت مطالعه، محدوده‌ای نسبتاً کوچک با مساحت تقریبی 5 هکتار است که با مرزهای طبیعی محصور شده‌است. این محدوده فضای شهری خصوصی‌ست که امروزه به طور عمومی مورد استفاده قرار گرفته‌است و با اینکه نه عملکرد گذشته‌ی خود را حفظ کرده و نه امروزه عملکردی ثابت دارد، اما با رویکرد اقدامات توسعه در آینده حفظ شده‌است.



شکل شماره 2: دید هوایی به محوطه تالین. منبع: نقشه‌های Bing، مایکروسافت^{۲۲}

این محل که در گذشته بندر ماهی‌گیری بوده، به دلیل موقعیت مرکزی، دسترسی مستقیم به دریا، انزوای نسبی از مناطق همجوار (به شکل 3-1 مراجعه شود)، شخصیت متروک و پوشش گیاهی خودرو برای این مطالعه انتخاب شده‌است (به شکل 2 و 3 مراجعه شود). این سایت دارای مرزهای طبیعی قابل تشخیص بوده به طوریکه، در یک سمت آن دریا و در سمت دیگر لبه‌ای که به واسطه‌ی زمین بلندتر مشخص شده، قرار گرفته است. همچنین اندازه‌ی نسبی کوچک آن سبب می‌شود تا بتوان آن را به عنوان محوطه‌ای خاص و مستقل در نظر گرفت و پوشش و آدرس‌دهی به کاربران در هنگام ورود و خروج از طریق مسیرهای باریک در دو سمت آن آسان گردد.

این سایت در زمان شوروی^{۲۳} منطقه‌ای صنعتی بوده و با قرارگیری در موقعیت اسکله‌ی تالین، از لحاظ تاریخی به عنوان بندر ماهی‌گیری شناخته می‌شود. این سایت که در گذشته تحت کنترل ارتش شوروی بوده‌است، پس از استقلال کشور استونی، در ابتدای دهه‌ی 1990 به عنوان فضایی شهری عمومی گشوده شد. در حال حاضر به دلیل آنکه طرح‌های توسعه‌ی این محدوده رضایت و توافق همگان را به دست نیاورده، این محدوده به حالت متروکه باقی مانده و از آن محافظت می‌شود. می‌توان گفت که آن به مدت دو دهه عملاً دست نخورده باقی مانده است و برای جلوگیری از هزینه‌های حفاظت و اقدامات ایمنی، تمام ساختارهای اصلی زمان گذشته به طور کامل تخریب شده‌اند. صاحبان خصوصی این سایت، بخشی از آن را برای نگهداری خاک به‌جهت دفن زباله‌های آینده استفاده می‌کنند؛ درحالیکه، مابقی آن یا به تدریج تجزیه شده و یا توسط گیاهان از بین می‌رود. برخی از کارهای تعمیر و نگهداری حداقل وجود دارد: بستر به طور منظم جمع‌آوری شده و برخی از بوته‌ها در طول دوره مشاهده انتخابی انتخاب شده‌اند. البته در طول زمان، برخی اقدامات حفاظتی در مقیاس کوچک نیز صورت گرفته است، از جمله: زباله‌ها و قوطی‌ها از محوطه جمع‌آوری و برخی از بوته‌ها نیز کوتاه شده‌اند.

این محوطه به دلیل اهمیت بالا در حوزه‌ی فضاهای عمومی و بحث‌های حرفه‌ای به عنوان نمونه‌ی مورد مطالعه‌ی این پژوهش انتخاب شده‌است. این سایت در توسعه‌ی مرکز (پایتخت) نقش به‌سزایی داشته و با رویدادها و اتفاقات قابل توجه‌ای احاطه شده‌است، شامل: زندان قدیمی Patarei، ساختمان نیروگاه برق شهرستان (در حال حاضر مرکز

خلاق تالین، Kultuurikatel) که مراکز فرهنگ‌های مختلف هستند؛ اقیانوس‌های دریایی قدیمی به عنوان موزه دریایی معاصر و برنده جایزه؛ ساختمان نمادین برای فرهنگ لیندخال و زمینی ورزشی که برای رویدادهای قایقرانی در المپیک 1980 مسکو ساخته شده بود و ساختمان اداری طراحی شده برای دولت شهر تالین و احتمالاً هرگز ساخته نشده که ورود رقابت برندهای Bjarke Ingels Group بود؛ تمام این عناصر به عنوان نقاط متصل شده توسط امتداد ساحلی برنامه ریزی شده 27 کیلومتری کار می‌کنند.

طرح ایجاد تفرجگاه در سراسر بندر ماهیگیری اجرا می‌شود. در سال 2011، تالین یکی از پایتخت‌های فرهنگی اروپا به شمار می‌رفت. همچنین، خط راه‌آهن قدیمی آن که از محل مورد مطالعه‌ی ما نیز عبور می‌کند به عنوان کیلومترشمار فرهنگ، که چندین گره مهم فرهنگی را در طول مسیر خود به یکدیگر متصل کرده بود، بازسازی شد (به شکل شماره‌ی 1 و 4 مراجعه شود). موضوع کلی پایتخت فرهنگی "داستان‌های ساحلی" بود که هدف آن اشاره به ارتباط فراموش‌شده‌ی تالین با دریای بالتیک^{۲۴} و ارزش‌ها و فرصت‌های موجود در اسکله‌ی این شهر بود. این موضوع که آیا گردشگاه طراحی شده در موقعیت موقت فعلی باقی می‌ماند یا به سمت خط ساحلی نزدیک خواهد شد، هنوز معلوم نیست.

برنامه‌های پایتخت فرهنگی شامل مجموعه وقایع موقت در فضاها عمومی مختلف می‌باشد. در کنار پروژه‌ی کیلومترشمار فرهنگی، تعدادی پروژه‌ی کوچک نیز در محل مورد مطالعه صورت گرفت که در ادامه شرح داده می‌شوند. باریکه‌های بتنی محکم از حوضه بندر قدیمی با استفاده از مصالح غیر رسمی با کفپوش چوبی پوشانده شده بودند و ساحل غیر رسمی محلی با یک نیمکت و کابین تغییری تکمیل گردید در حالیکه دو بخش عظیم بتن به سیستم‌های چوبی برای آفتاب تبدیل شد شکل 5 را ببینید). بوته‌های متراکم میان خیمه‌ها و دریا کاهش یافته و زیرزمین پاک شده اند تا دید را بهبود بخشد. خط کش خط راه‌آهن با سنگ خرد شده، در حالی که نورپردازی، نیمکت‌ها و سطوح خالی در آن امتداد افزوده شده است.

تمامی این عناصر با هدف مطالعه‌ی تاثیر تغییرات فضایی بر فعالیت کاربر صورت گرفته‌است. این اقدامات کوچک می‌تواند به عنوان روش طب سوزنی شهری مورد توجه قرار گیرد که نقاط اصلی و مهم یکی از مراکز پرترفدار فعلی را تحت تاثیر قرار می‌دهد.



شکل شماره 3: در محوطه‌ی تالین گیاهان خودرو و مسیرها و کشتزارهای به جامانده از گذشته در اطراف (تکه‌های) بیابان به چشم می‌خورد. جریان داشتن آب در امتداد خط ساحلی با شن، ماسه، سنگریزه و قطعات بتنی، شرایط متنوعی را پدید آورده است.

روش

این مطالعه، الگوهای رفتاری به دست آمده از بررسی الگوهای استفاده و ویژگی‌های محیطی را نشان داده و به بررسی رفتار کاربران یک محوطه را در بازه‌های زمانی متفاوت می‌پردازد.

روش تحقیق شامل: جمع‌آوری اطلاعات زمینه (بوم و بستر) و مطالعه‌ی سایت پیرامون برای انجام آزمایشات، بررسی الگوهای رفتاری قبل و بعد از این اقدامات به جهت تحلیل و تجزیه می‌باشد. علاوه بر این یادداشت‌ها و تصاویر مرتبط با ویژگی‌های سایت برای انجام مطالعات اولیه گردآوری شد. روش بررسی الگوهای رفتاری در سال 2010 انجام شد و در سال 2011 تکرار گردید تا تفاوت‌های شرایط قبل و بعد از انجام مداخلات روشن گردد.

بررسی الگوهای رفتاری به عنوان یکی از روش‌های کلیدی برای جمع‌آوری داده و اطلاعات سایت انتخاب شد. این روش، ابزاری عینی برای مطالعه‌ی وابستگی رفتار مردم با محیط پیرامون خود است (مراجعه شود به کوسکو^{۲۵} و دیگران 2010، گلیسنیک^{۲۶} و وارد تامپسون^{۲۷} 2010) که شامل شناسایی و مشاهده‌ی عوامل متعدد موجود در پیرامون با حداقل میزان دخالت (برای نظارت‌کننده) و تاثیر بر زمان و منابع می‌باشد. در روش الگوی رفتاری، اطلاعات مربوط به موضوع با ویژگی‌های محیطی بررسی شده و رابطه‌ی متقابل (وابستگی دو طرفه‌ی) این دو متغیر روشن می‌گردد. در این مطالعه مولفه‌ی زمان به تحقیقات اضافه شده، به طوریکه که الگوی رفتاری در 20 نقطه‌ی مختلف مکانی در بازه‌ی زمانی دو سال بررسی و ارزیابی شده‌است.

آماده‌سازی برای مطالعات میدانی

نقشه‌های پایه با ساده‌سازی خروجی‌های پایگاه دیجیتال، به منظور تاکید بر عناصر مربوطه و حذف شاخصه‌های غیر ضروری که تنها ضبط مشاهدات را پیچیده می‌کند، به دست می‌آید. بندرگاه ماهی‌گیری به عنوان زمینی بایر، به صورت محدوده‌ای خالی بر نقشه‌ها و پلان‌های موجود مشخص شده‌است، از این رو، خروجی‌های پایگاه تصاویر موازی (ارتوفوتو^{۲۸}) در کنار پایگاه نقشه‌های اینترنتی (Maa- Web Map Server of the Estonian Land Board (amet). مورد استفاده قرار گرفتند. نقشه‌ی پایه به صورت سیاه‌سفید و در برگ a4 و در مقیاس متناسب با کاغذ (fit to paper) چاپ شد و ویژگی‌های زمین (مصالح، آب، پوشش گیاهی) و محل قرارگیری عناصر شاخص آن را نشان می‌دهند.

25 cosco

26 Golichnik

27 Ward Thompson

28 orthophoto



شکل شماره 4: تفرجگاه موقت در حومه‌ی خط راه‌آهن پیشین تالین است. پوشش زخم زمین در سمت چپ و بازسازی‌های صورت گرفته در سال 2011 در سمت راست قابل مشاهده است.



شکل شماره 5: تالین سال 2011 به عنوان پایتخت فرهنگی کالاراند. تجهیزات و وسایل موقت در ساحل. شکل a
تخریب‌های سال 2010، شکل b قرار دادن صفحات چوبی بر تخریب‌ها. شکل c کلبه‌ها و فضاهای تغییر یافته. شکل
d، ساحل (بازگشایی در ژوون 2011)
فرآیند گردآوری داده:

فرآیند و مراحل گردآوری داده در مدت دو سال، از ماه جولای ۲۹ سال ۲۰۱۰ و جولای سال ۲۰۱۱ صورت گرفت. فصل گرم در کشور استونی از ماه می^{۳۰} آغاز می‌شود، معمولاً در پایان ماه آپریل^{۳۱} دمای هوا به بیش از حد معمول می‌رسد. در این هنگام، رستوران‌ها و کافه‌ها تراس‌های بیرونی خود را آماده ساخته تا مردم در فضای آزاد بنشینند. دمای بیشینه‌ی هوا در تابستان به ۳۵ درجه می‌رسد، اما در اواسط ماه سپتامبر^{۳۲} هوا خنک شده و فضای آزاد دیگر کاربردی ندارد. آب و هوای استون همچنین دارای پاییزی نسبتاً طولانی با بارندگی شدید و دمای پایین است. در زمستان درجه حرارت این منطقه تا ۲۵ درجه سانتیگراد کاهش یافته و بارش برف منظره و قابلیت استفاده از این محدوده را تغییر می‌دهد. در نتیجه این مطالعه بر گرمترین محدوده‌ی سال که مردم بیشتر وقت خود را در خارج از منزل می‌گذرانند، تمرکز کرده‌است.

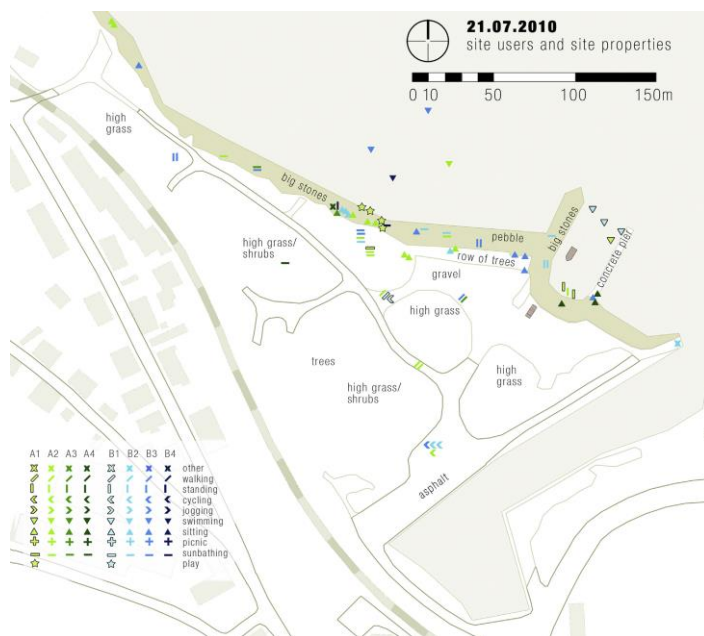
روزهای دوره مشاهدات از آوریل تا سپتامبر به مدت تقریباً از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۰ بعد از ظهر به بلوک های ۲ ساعت تقسیم شد (عرض جغرافیایی محل طول ساعت های نور روز را مشخص می کند - در طول فصل تابستان نور تقریباً ۲۴ ساعت است و مردم می توانند از این سایت تمام وقت استفاده کنند، در حالی که در عمق فصل زمستان تنها بین ۹ صبح تا ۴ بعد از ظهر نور می باشد) و زمان برای مشاهده کارهای میدانی که به صورت تصادفی از این انتخاب می شوند، به طوری که در روزهای هفته و تعطیلات آخر هفته و در همیشه. سایت (فراتر از خیابان جدید) نورهای اضافی را از روز روشن نمی کند، بنابراین نمونه برداری متوقف می شود زمانی که نور ناکافی بود.

داده ها به صورت غیرمستقیم با کمترین میزان تعامل با کاربران جمع آوری شد. تاریخ و زمان مشاهدات ثبت شده و شرایط آب و هوایی (دما تقریبی، بارندگی، ابر و باد) و مشاهدات ویژه (مثلاً برداشت، نور، صداها) ثبت شد. ناظر در طول یک جلسه هر یک از سایت ها را نقل مکان کرد، مکان و نوع رفتار هر کاربر سایت را در آن مکان و نقطه خاص نشان می دهد. انواع رفتارها از مشاهدات خلبان و همچنین انواع عمومی شناخته شده از مطالعات قبلی و یادداشت ها با استفاده از اختصارات (به عنوان مثال انواع راه رفتن و نشستن)، مگر اینکه فعالیت پیچیده تر بود (مانند خوردن

29 July
30 May
31 April,
32 September

سیب و پرت کردن باقی مانده ها در آب هنگام آواز خواندن) ، در این صورت تمام توضیحات نوشته شده است. گروه جنسیتی و سنی هر کاربر نیز تعیین شد، با اشتباهات گاه به گاه ممکن است به دلیل فاصله از ناظر. چهار گروه سنی مختلف متفاوت بودند: کودکان (پسر و دختران 3-15 ساله)، مردان جوان / زنان جوان (35-16 ساله)، مردان بالغ / زنان بالغ (36-5 ساله) و مردان مسن / زنان مسن (بیش از 60)

روش جمع آوری داده نیز محدودیت های آن را داشت. از آنجایی که پوشش گیاهی به طور کامل اجازه مشاهده کل سرزمین را نداشت، ممکن بود که بعضی از فعالیت ها ناپدید شده باشند. در مرحله اول، پیدا کردن یک راه از طریق سایت ممکن است کسی پس از یا قبل از مشاهده یا خروج از سایت قبل از مشاهده مشاهده کند، در ضمن، ناظر یک زن جوان است، بوته های متراکم به خاطر خطرات ایمنی درک شده، به خصوص در طول اولین جلسه نقشه برداری در سال 2010، زمانی که هیچ گونه تشدید وجود نداشته است. اگر چه نشانه های مشخص (مثلا مبلمان، لباس، بستر، دود، گفتگو) کاربران و حتی ساکنان در قسمت های چگال تر پوشش داده شده بود، آنها نقشه برداری نشد، مگر اینکه به وضوح براساس معیارهای توصیف شده سن، جنسیت و فعالیت مشخص شده باشند.



شکل شماره 6: کاربران محوطه در روز چهارشنبه، 21 ژوئیه 2010، ساعت 15:30. این یک بعد از ظهر آرام و بدون ورزش باد است. هر آیکون یک کاربر مشغول به یک فعالیت در محدوده مورد مطالعه را نشان می دهد. A1: دختران،

A2: زنان جوان؛ A3: زنان بالغ؛ A4: زنان مسن تر B1: پسران؛ B2: مردان جوان؛ B3: مردان بالغ؛ B4: مردان مسن تر. آیکون ها بر روی تمام تصاویر مشابه موارد ذکر شده در مقاله هستند.

آماده سازی و تحلیل داده:

با استفاده از نرم افزار فوتوشاپ (یا هر نرم افزار دیگری که بتواند داده ها را به صورت گرافیکی لایه بندی کند) نقشه های پایه حاوی خلاصه ای از اطلاعات میدانی تهیه شدند. جنسیت و سن افراد با رنگ گذاری مشخص شد، در واقع می توان گفت که هر لایه، حاوی اطلاعات طبقه بندی شده مربوط به افراد با رده ی سنی و جنسیت مشخص و در رابطه با یک مطالعه ی میدانی می باشد. همچنین می توان برای مقایسه و بررسی این لایه های اطلاعاتی را با یکدیگر ترکیب کرد، به عنوان مثال مقایسه ی میزان اشغال (سکونت) منطقه قبل و بعد از مداخلات صورت گرفته در سال 2011 و یا تفاوت نسبت مردان و زنان. نمونه ها برای توصیف و تحلیل رابطه ی موجود بین ویژگی های محیطی و رفتار کاربران استخراج شدند.

برای تحلیل داده های به دست آمده از روش مشابه با گلیسنیک و وارد تامپسون استفاده شده است. کسانیکه بر اساس مشاهدات در یک روز خاص و یا ترکیب لایه های اطلاعاتی حاوی مشاهدات مختلف طی چندین زمان، روابط کاربردی-فضایی را مورد بحث قرار می دهند. پایگاه دیجیتالی بندرگاه ماهیگیری شامل 20 پروتکل اطلاعاتی با 135 قسمت می باشد که هم به صورت لایه های جدا برای بررسی بازدیدهای روزانه و هم (به صورت) لایه های ترکیبی برای بررسی الگوی فضایی کلی، تجزیه و تحلیل شده است.

نتایج:

نتایج به صورت لایه های هم پوشان از پروتکل های اطلاعاتی نمایش داده می شوند. ترکیب لایه های اطلاعاتی کاربران در برابر ویژگی های خاص سایت (محوطه) برای اثبات رابطه ی متقابل آنها استفاده می گردد. در نمونه های دیگر، تنها خطوط سایت که مکان قرارگیری کاربران و یا ماهیت فعالیت های صورت گرفته حائز اهمیت ویژه ای است، مشخص می شوند. این پروتکل ها برای تمرکز بر وضعیت قبل و بعد از مداخلات طراحی با یکدیگر ترکیب شده و یا بر اساس

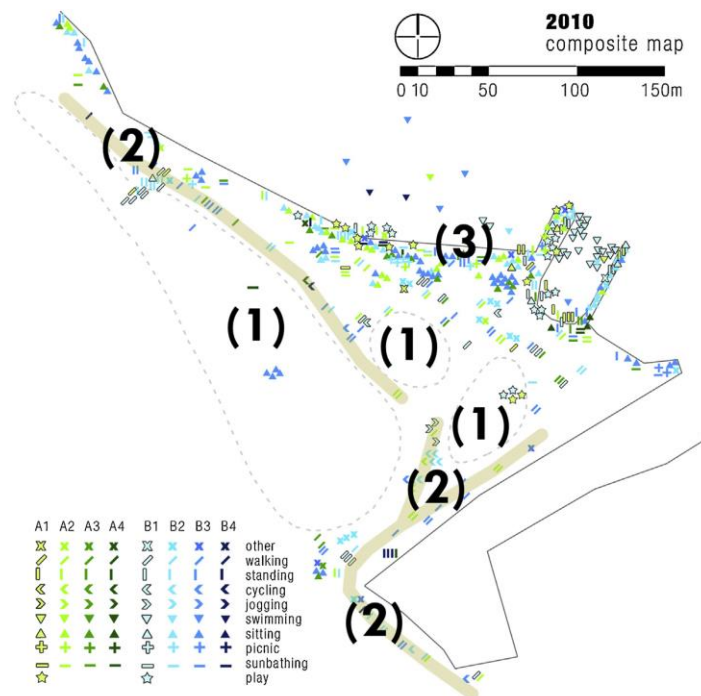
مولفه‌های (سن، جنسیت، نوع فعالیت) تقسیم شده‌اند و در نهایت به جهت مقایسه‌ی گروه‌های مختلف، با مولفه‌هایی از پروتکل‌های دیگر ترکیب می‌شوند.

الگوی کاربر در سال 2010:

این نمونه از روزی گرم در تابستان استخراج شده که الگوی استفاده قبل از انجام مداخلات را نشان می‌دهد (به شکل شماره‌ی 6 مراجعه شود). یک قسمت مربوط به روز 21 جولای نشان می‌دهد که ساکنین محوطه از ساعت 3:30 الی 3:50 بعدازظهر در زیر آسمان صاف با بادی ملایم قرار داشتند.

نمونه‌ی توصیفی بالا، الگوی معمولی کاربری یک محوطه را نشان می‌دهد. با ترکیب 10 قسمت برداشت شده از این محوطه در سال 2010، می‌توان به الگوی فضایی قوی‌تری دست یافت. سه ویژگی کلی بر روی نقشه مشخص است (به شکل شماره‌ی 7 مراجعه شود). بخش‌های زیادی از محوطه به سختی مورد استفاده قرار می‌گیرند (1)، الگوی مسیرها توسط فعالیت‌های حرکتی به دست می‌آید (2) و مرز میان خشکی و دریا پرجمعیت‌ترین نقاط این محوطه است (3). در این محدوده برخی نقاط چون اسکله و آب بین آنها، آب‌های کم‌عمق و گوشه‌های غربی و شمال غربی ساحل بیشتر از سایر نقاط مورد توجه و استقبال قرار گرفتند.

با مقایسه‌ی الگوی کلی با عناصر شاخص محوطه (به شکل شماره‌ی 8 مراجعه شود)، رابطه‌ی موجود میان آنها مشخص می‌گردد. هرچند ممکن است بخشی از محوطه در ظاهر متروک به نظر رسد اما افرادی نیز، نه تنها به صورت عبوری بلکه به عنوان مقصدی تعیین شده از آن بازدید می‌کنند. فضای مابین جایی که ساختمان‌ها از آن برای عملکردهایی مانند شبکه‌ی راه‌ها و فضاهای باز برای دسترسی استفاده می‌کردند؛ خرابه‌های بیش از حد گسترش یافته محفظه‌ای را با پوشش گیاهی سرسبز فراهم آورده است؛ دسترسی مستقیم به آب در جاهای دیگر در تالین مرکزی غیر ممکن است. بیشترین تنوع استفاده زمانی رخ می‌دهد که عناصر فضایی نه تنها اجازه‌ی مداخله می‌دهند بلکه به مداخله ترغیب می‌کنند. انتخاب بین عناصر طبیعی و اسان ساز برپا استفاده‌ی رایگان بدون نظارت نهادی و کنترل محسوس مهیا است- این محل به عنوان "حیات پستی" برای همسایگان ایفای نقش میکند.



شکل شماره 7: الگوی فضایی از 10 پروتوکل در سال 2010. تکه های زیر (1)، خط (2) و خوشه ی متراکم (3).

الگوی کاربران در سال 2011:

تراکم جمعیت در ساحل شنی و مسیرهای منتهی به آن بسیار بالاست و تعدادی افراد نیز در آب مشغول به شنا هستند. تمامی افراد در این گردشگاه در خطوط روشنی قرار گرفته‌اند. از پوشش‌های گیاهی اطراف مسیرها بهره برده نمی‌شود و بوته‌های آن محدوده نیز از بین رفته‌اند. تنها قسمتی از چمنزار در کنار جریان آب برای نشستن استفاده می‌گردد.

تفاوت‌های وضع گذشته با وضع موجود:

با مقایسه ی 10 نقشه ی وضعیت در بازه ی زمانی تابستان 2010 و 2011، تاثیر مداخلات طراحی صورت گرفته روشن می‌شود. نقشه‌های وضع گذشته و وضع موجود (به شکل شماره 9 مراجعه شود) تاثیر به سزای این مداخلات را در رابطه با پایتخت رویدادهای فرهنگی نشان می‌دهد. با توجه به 10 نقشه ی ترکیبی از سال 2010، بخش مرکزی ساحلی متراکم‌ترین بخش است (به شکل شماره 9 مراجعه شود). این نکته حائز اهمیت است که ساحل شنی بیشترین استفاده را نداشته و مردم سنگریزه‌های بزرگتری را ترجیح می‌دهند. در سال 2011 گردشگاه موقت در

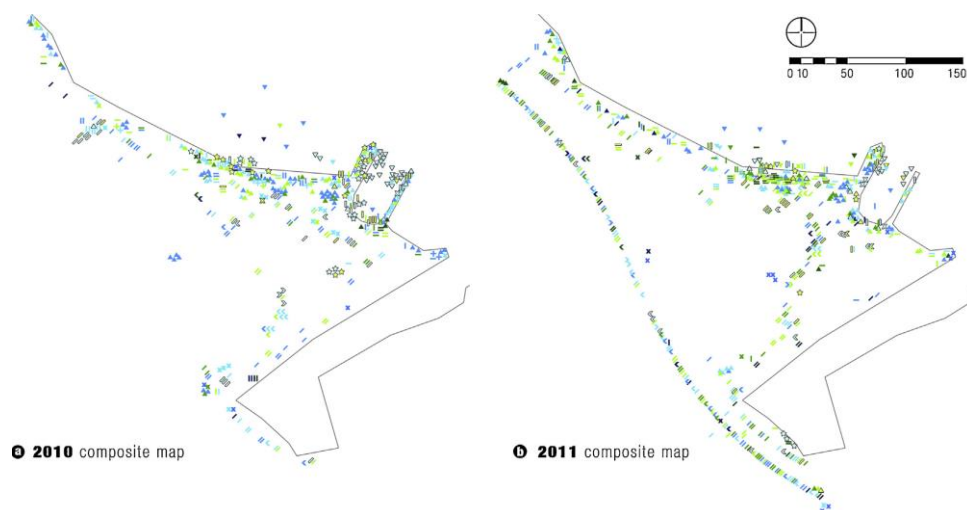
اولویت قرار داشت. این مسیر در سال 2010 نیز وجود داشت اما به دلیل پوشیدگی سطح آن با ماسه‌ی ضخیم، رفت‌وآمد را مشکل ساخته بود. همچنین این مسیر در پشت حصارهای واحدهای مسکونی در همسایگی و یا ساختمان‌های صنعتی و بوته‌ها پنهان شده بود. در سال 2011، با احداث این مسیر گردشگری به پوشش گیاهی آن نیز توجه شد که در نتیجه، جمعیت زیادی به آن روی آوردند.

در نقشه‌ی تهیه شده در سال 2011، الگوی متراکمی در نزدیکی تجهیزات ساحلی و در مسیر حذفاصل ساحل و ورودی جنوبی محوطه قابل مشاهده است. در اینجا، هم ارتقای (کیفیت) محیطی و نشانه‌های امنیت و آسایشی که به دنبال داشته، سبب بروز تغییرات در الگوی این محوطه شده است. اجرای نیمکت جدید، سیستم‌ها (تاسیسات) چوبی، سطل زباله و تغییر کاربری کلبه‌ها، حاکی از آن است که فعل آفتاب‌گرفتن (گردش در ساحل) پذیرفته شده و مردم به سوی آن ترغیب می‌شوند. وجود چنین عناصر فیزیکی سبب می‌شود تا مردم در این محدوده توقف کرده و این فضا را برای نخستین بار تجربه کنند. بازدید مجدد افراد از این محوطه و معرفی آن به اطرافیان خود، موجب افزایش جمعیت کلی بازدید کننده می‌شود.



شکل شماره 8: نقشه ترکیبی از 10 پروتکل برداشت شده در سال 2010 در مقابل ویژگی‌های واقعی سایت نشان داده شده است. این نقشه توزیع فضایی کاربران را نشان می‌دهد. انواع فعالیت، جنسیت و گروه‌های سنی کاربران

در این تصویر بی اهمیت اند و بنابراین در راهنمای آن توضیح داده نمی شوند. تصویر بر اساس خروجی پایگاه داده ارتوفوتو از طریق نقشه وب سرور اداره زمینه استونی به دست آمده است.



شکل شماره 9: مقایسه‌ی الگوی کاربری فضایی قبل و بعد از مداخلات صورت گرفته در سال 2011، هر دو تصویر نقشه‌ی ترکیبی از 10 پروتوکل می‌باشند.

تنوع جنسیت و سن گروه‌های کاربر:

تمامی مداخلات جزئی در سال 2011 موجب محبوبیت و قابلیت استفاده‌ی هرچه بیشتر این محوطه در میان زنان شده به طوریکه آمار کاربران بانوان در این بازه‌ی زمانی 2.2 برابر شده است. (144 نفر در سال 2010، شکل شماره 10a، و 317 نفر در سال 2011، شکل شماره 10b). ساحل جدید بیشترین تراکم را داشته (به شکل شماره‌ی 10b مراجعه شود)، درحالیکه گروهی از کاربران از ورودی جنوبی به سمت ساحل بر نقشه‌ی کاربران زن نیز دیده می‌شوند.

این تفاوت‌های شاخص در الگو و تعداد کاربران مرد نه در نزدیکی ساحل (بر خلاف جمعیت بانوان) و نه در فضای ورودی به چشم نمی‌خورد (به شکل شماره‌ی 11a و 11b مراجعه شود). حال آنکه گردشگاه موقت، مورد توجه‌ی کاربران مرد بوده به طوریکه آمار فعالیت‌هایی چون دویدن یا دوچرخه‌سواری افزایش یافته است. (در مقایسه با الگوی رفتاری بانوان، در میان مردان فعالیت‌های فعال برخلاف پیاده‌روی با استقبال زیادی مواجه شده است). تغییرات جزئی دوم در جوان‌ترین گروه کاربران مرد مشاهده می‌شود. نقشه‌های سال 2010 حاکی از شنای پسران

جوان در محدوده‌ی دو اسکله‌ی اطراف ساحل است. این درحالیست که الگوهای سال 2011 به آن اندازه متراکم نبوده که دلیل آن در نظر گرفتن کودکان در تمامی بازدیدهای متعدد است حال آنکه مجموع تعداد کودکان نسبت به سال 2011 بیشتر نبوده‌است.

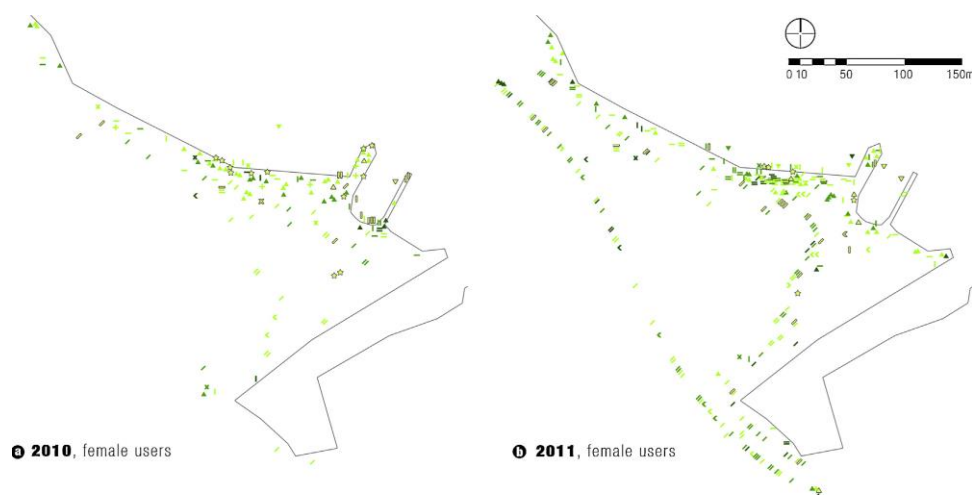
تعداد کلی جوان‌ترین گروه کاربران (کودکان 3 تا 15 سال) تفاوت چندانی پس از مداخلات نداشت. با مقایسه‌ی تعداد کاربران سالمند (گروه سنی بالای 60 سال) متوجه‌ی افزایش سه برابری این آمار پس از مداخلات می‌شویم (21 نفر در سال 2010 و 61 نفر در سال 2011، به شکل شماره‌ی 12 مراجعه شود). با توجه به آنکه در قالب این تحقیق به انجام مصاحبات و ارائه‌ی پرسش‌نامه پرداخته نشد، بایستی دلایل وجود این پویایی را بر اساس مشاهدات بیان کنیم. یافته‌های فوق ثابت می‌کند که وجود عناصر (فضای) سبز و دسترسی مناسب توجه‌ی افراد سالمند را بیش از گروه جوان به خود جلب کرده‌است. مداخلات جزئی بر تناوب موجود و تعادل در فعالیت‌های فعال-منفعل تاثیر داشته‌است: ارتقای کیفیت محیطی سبب جذب بازدیدکننده‌ی بیشتر و امکان دسترسی به محوطه و توقف در آن آسان‌تر شده‌است. در این نمونه، گردشگاه به عنوان جاذبه‌ی گردشگری معرفی شده و گردشگران را به سوی موزه‌ی دریایی هدایت می‌کند، از این روست که توانسته مخاطبان بازنشسته‌ی بیشتری را به خود ترغیب کند.

یکی دیگر از الگوهای قابل مقایسه، تعادل میان فعالیت‌های فعال و منفعل است. پروتکل‌های موجود 10 فعالیت مختلف را بررسی کرده‌اند: پیاده‌رئی، دویدن، دوچرخه‌سواری، شنا، بازی، پیک‌نیک، نشستن، ایستادن، آفتاب گرفتن و "دیگر فعالیت‌ها". پنج مورد ابتدایی در این لیست به عنوان فعالیت‌های فعال و چهار مورد دیگر به عنوان فعالیت منفعل طبقه‌بندی شده‌اند. مورد "دیگر فعالیت‌ها" شامل فعالیت‌هایی غیرمعمولی بوده که به طور مرتب روی نمی‌دهد از جمله: ماهی‌گیری، چادرزدن، تمرین هنرهای رزمی، شست‌وشو در کنار دریا، رقصیدن و تخلیه‌ی ماشین. این فعالیت‌های نامتعارف در کنار یکدیگر یک مورد را تشکیل داده از این روست که نمی‌توان آن را در دسته‌ی فعالیت‌های فعال یا منفعل قرار دارد چراکه هر دو دسته را شامل می‌شود.

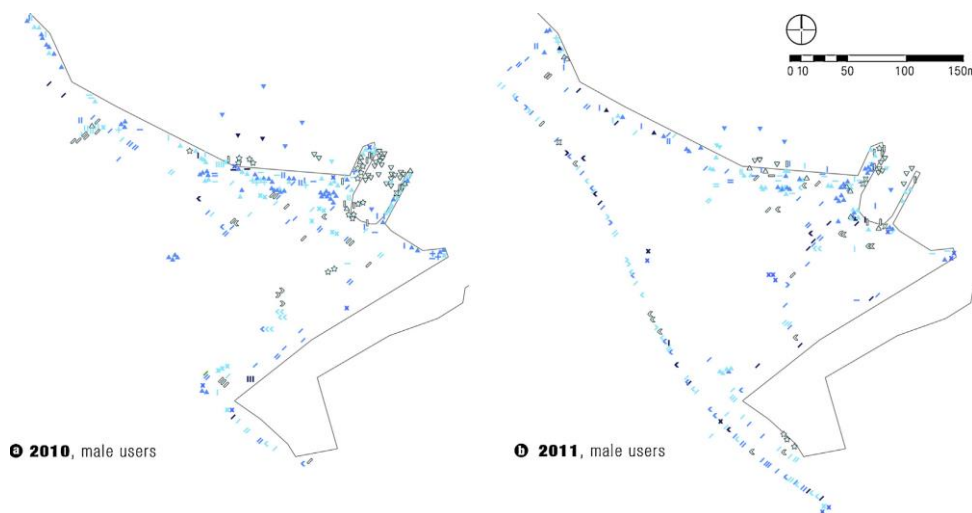
الگوی فعالیت‌های فعال در میان بازدیدکنندگان مرد در سال‌های 2010 و 2011 تفاوت چندانی نداشته‌است (به شکل شماره 13a-d مراجعه شود، درحالیکه ایجاد گردشگاه موقت تاثیر به سزایی بر کاربری‌های فعال و منفعل

برجای گذاشته‌است. با مقایسه‌ی تعادل میان این دو نوع فعالیت، می‌توان دریافت که ارتقای کیفیت محیطی سبب استقبال بیشتر از مشارکت‌های فعال شده‌است.

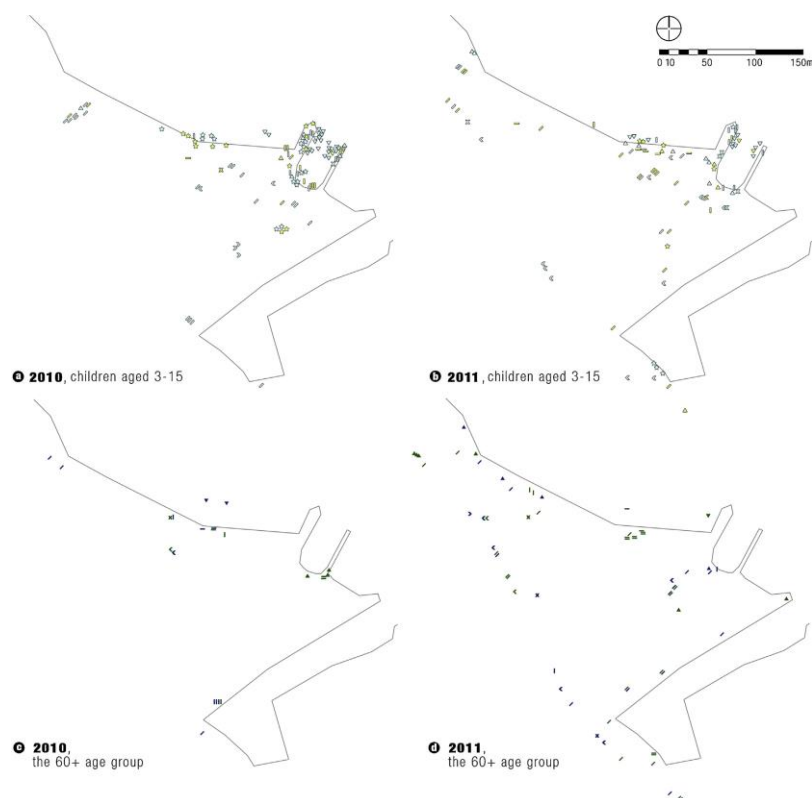
حال آنکه این الگو در میان کاربران زن متفاوت است. در سال 2010، تعداد کاربران (بازدیدکنندگان) زن در این ساحل به مراتب کمتر از کاربران مرد بوده‌است (به شکل شماره 13 و 14 مراجعه شود). در حالیکه با ارتقای کیفیت محیطی در سال 2011، مجموع کاربران زن افزایش یافته و تعداد کاربران فعال زن حدود 5 برابر شده‌است. تغییرات مشابهی در میان گروه جوانان صورت گرفته است، به طوریکه تا پیش از مداخلات دو برابر کاربران منفعل، شاهد کاربران فعال بودیم که پس از انجام مداخلات شاهد افزایش 5 برابری فعالیت‌های فعال در میان این کاربران هستیم.



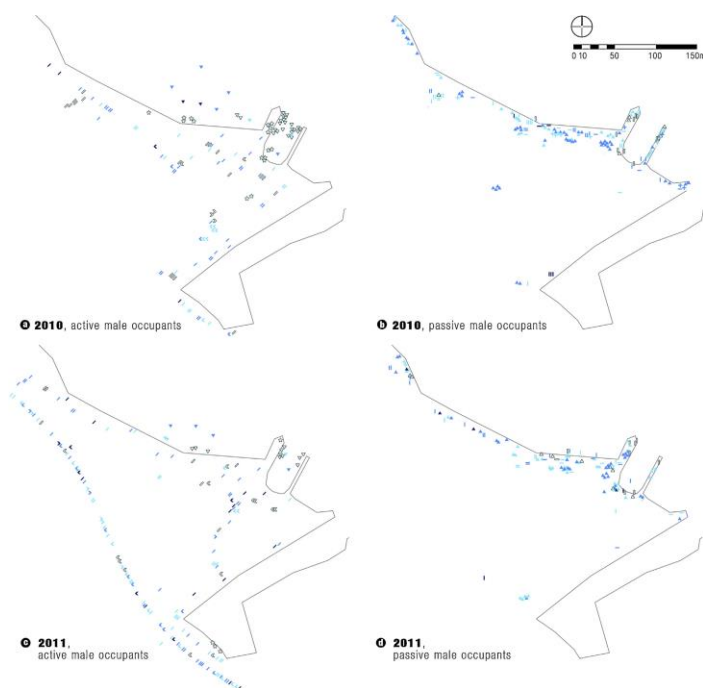
شکل شماره 10: مقایسه‌ی تراکم حضور بانوان در سال‌های 2010 و 2011



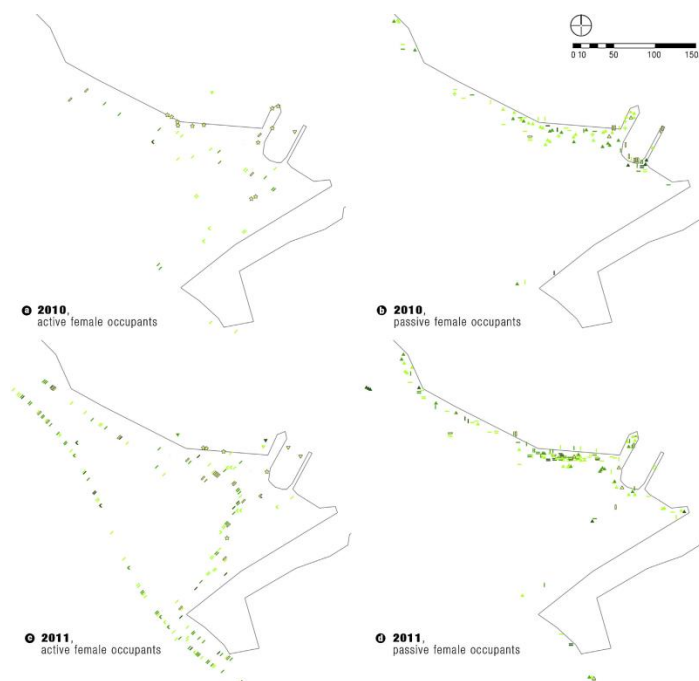
شکل شماره 11: مقایسه‌ی تراکم حضور مردان قبل و بعد از انجام مداخلات.



شکل شماره 12: مقایسه‌ی تاثیر تغییرات فضایی بر جوان‌ترین و مسن‌ترین گروه کاربران



شکل شماره 13: مقایسه‌ی فعالیت‌های پرتحرک و منفعل در میان مردان در بازه‌ی زمانی مشاهده. این تصویر تمامی گروه‌های سنی مردان را شامل می‌شود.



شکل شماره 14: مقایسه فعالیت‌های فعال و غیر فعال در میان زنان. این تصاویر تمام کاربران زن در دردهای سنی مختلف را شامل می‌شود.

بحث:

در مطالعه‌ی صورت گرفته توسط نورد و Østby (2013) در رابطه با عناصر مناسب فضای سبز کوچک شهری بیان می‌کنند که پارک کوچک شهری بایستی دارای پوشش طبیعی، امکانات رفاهی از جمله نشستن و حدفاصلی از محوطه‌های اطراف خود باشد. وجود پوشش طبیعی و جدایی از همسایگی، از جمله ویژگی‌های فضاهای متروکه‌ای است که در این مقاله مورد مطالعه قرار گرفته است. در طی 20 جلسه مشاهده، 44 نفر به طور میانگین در محوطه حضور داشتند که بیشترین تعداد نفر در این دوره به 138 نفر رسیده‌است. حضور این تعداد نفر در چنین فضای کوچکی حاکی از وجود فضای سبزی دلنشین و مناسب است. بازدیدکنندگان از تفاوت‌های این محدوده با آنچه در دیگر پارک‌های "رسمی" به چشم می‌خورد، لذت می‌برند. اضافه شدن چند عنصر رسمی در سال 2011 بدون دخالت در فضای کلی محدوده، واکنش روشن کاربران را به همراه داشته‌است.

مشارکت کاربران در فضایی غیرقابل کنترل:

با نگاهی کلی می‌توان گفت که این بندر ماهی‌گیری به عنوان فضایی حیاتی عمل می‌کند. کوپر مارکوس و همکاران، ادعا می‌کنند که پارک‌های سنتی سازمان‌یافته در مقایسه با فضاهای سبز متمرکز بر تنوع فضایی، زیست‌محیطی (و همچنین اجتماعی) به نیازهای برخی گروه‌های اجتماع پاسخ نمی‌دهد. آنها بر این موضوع تاکید دارند که هر بافت و محله‌ای به فضای عمومی انعطاف‌پذیر و بستری برای وقوع فعالیت‌های خاص چون، مانند زندگی فعال در خیابان، وجود شبکه‌های اجتماعی یا حتی شستن و نمایش خودروها، نیاز دارد. علاوه بر این آنها هشدار می‌دهند که چنین فعالیت‌های نباید "طراحی شوند"، بلکه بایستی تنها مورد تشویق قرار گیرند (کوپر مارکوس و دیگران، 1998، صفحه 86).

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که وجود چنین فضاهای عمومی انعطاف‌پذیر، سبب جذب بازدیدکنندگان از هر رده‌ی سنی می‌گردد. هرچند که تمامی آن فضا با تراکم برابری مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. با مقایسه‌ی الگوی کاربری با ویژگی‌های فیزیکی محدوده، رابطه‌ی رفتاری-محیطی مشخص می‌شوند. با مشاهده‌ی نتایج حاصل از مشاهدات سال 2010، بخش‌های رها شده و متروک، شامل پوشش گیاهی زمین و یا به اصطلاح زمین "مرده" هستند که تنها زباله در آنها به چشم می‌خورد (به شکل شماره 8 مراجعه شود). به نظر می‌رسد که این بخش‌ها به دلیل ظاهر نامناسب و دلسرده‌کننده‌ی خود (ادنسور، 2005؛ آرمسترانگ، 2006؛ فرانک و استوینز، 2007)، وجود ساکنان موقت و اثرات اقامتگاه‌های موقت متروک مانده‌اند (به شکل شماره 15 مراجعه شود). دانه‌های ذخیره شده در خاک سبب بروز آلودگی‌های محیطی شده و این محدوده به عنوان زمین بازی کودکان استفاده نمی‌گردد. به طوریکه مشاهدات سال 2010 حاکی از آن است که کاربران قسمت محصور محدوده (راه‌آهن سابق) را فاقد اعتبار می‌دانند.

به نظر می‌رسد که بخشی از چشم انداز با چمن، سنگریزه، آسفالت، درختان و بوته‌های تک پتانسیل بیشتری نسبت به درختچه‌های متراکم داشته باشد. عابران پیاده یکی از گروه‌های کاربری این فضا هستند که تنها از مسیر مشخص محوطه حرکت می‌کنند. فعالیت‌های روزمره زمانی اتفاق می‌افتد که محیط از لحاظ کالبدی مناسب و قابل قبول

باشد، علاوه بر این آب و هوا نیز به عنوان عامل کیفی محیط نقش مهمی در این امر ایفا می کند. گهل^{۳۳}، پیاده روی را به عنوان یکی از مهم ترین فعالیت های روزمره می داند (گهل، 1987). در سال 2011 پیاده روی جایگزین نشستن به عنوان محبوب ترین فعالیت سال 2010 شد، که این امر حاکی از تبدیل این محدوده به محیطی عمومی و زنده می باشد. ساحل ماهی گیری مسیری میان مقصدهای گوناگون نیست، از این روست که این منظر در نقایسه با خیابانهای اطراف از کیفیت بالاتری برخوردار است. پس از مداخلات و بهبود شرایط کالبدی، حرکت در این مسیر فراهم شد و به واسطه ی دید بهتر، دسترسی به آن نیز میسر گشت.

فعالیت های غیر معمول (جدا از فعالیت های ضروری و روزمره) اقداماتی انتخابی بوده که به شرایط محیطی وابسته است. این فعالیت ها زمانی رخ می دهد که شرایط هوایی مناسب بوده، بستر موجود ما را به سمت خود جذب کرده و یا به زبان ساده زمانی که ما حس خوبی به انجام آن داشته باشیم. انجام این فعالیت ها می تواند بسیار لذت بخش باشد اگر که محیط امکانات متعددی برای کاربر فراهم آورده باشد و مرتباً او را به چالش دعوت کند. تراکم کاربران دائمی (بلند مدت) در لبه ی خط ساحلی این محوطه دیده می شود. گلیسنیک و وارد تامپسون چون بل به این "تاثیر لبه" در استفاده از فضاهای عمومی اشاره دارند. براساس مشاهدات آنها، مردم برای انجام فعالیت های اختیاری و تفریحی خود، لبه های مجزا چون ردیف درختان و دورنمای پوشش گیاهی را ترجیح می دهند (بل، 2008؛ گلیسنیک و وارد تامپسون، 2010). محوطه ی مورد مطالعه لبه هایی را معرفی می کند که کاربران به آن توجه داشته، از جمله: حدفاصل دریا و ساحل، شیب بین محدوده ی اصلی و ساحل، دیواره های سنگی و بتنی، ردیف های سنگی، درختان و چمنزارها. تمامی این عناصر در حاشیه ی شمالی محوطه وجود دارد که تراکم اصلی کاربران نیز در این محدوده به چشم می خورد. (به شکل شماره ی 2 و 8 مراجعه شود).



شکل شماره 15: نشانه‌های بازدید طولانی: لباس، تشک، مبلمان



شکل شماره 16: مقایسه‌ی فعالیت‌های پرتحرک و منفعل قبل و پس از بروز تغییرات

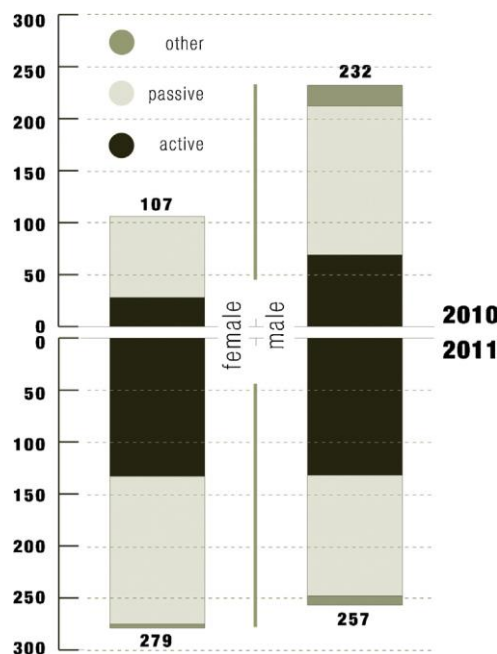
جنبه‌های جنسیتی طب سوزنی:

تغییرات جزئی طراحی که در سال 2011 صورت گرفته‌است، تاثیر قابل توجهی بر رفتار کاربران داشته است. ماهیت فعالیت‌ها پس از انجام این مداخلات تغییر یافته است و کاربران به نسبت یک سال گذشته فعال‌تر شده‌اند، به میزان 1.9 برابر در مردان و 4.7 برابر در میان بانوان افزایش داشته‌است (به شکل شماره 16 و 17 مراجعه شود). این درحالیست که مجموع کاربران دائم (فعالیت‌های فعال برای دو گروه زن و مرد ترکیب شده‌است) ثابت مانده که این آمار 221 نفر در سال 2010 و 258 نفر در سال 2011 را نشان می‌دهد. عناصر به کار رفته در گردشگاه، مردان را به سمت فعالیت‌های پویا و پرتحرک که تاثیر به سزایی بر سلامتی آنها داشته، ترغیب کرده‌است. (دویدن، دوچرخه‌سواری، به شکل 12 مراجعه گردد). فقدان فعالیت‌های بدنی یکی از اصلی‌ترین علل بیماری‌های قلبی-عروقی

است که بیشترین آمار مرگ به علت این بیماری در جهان متعلق به کشور استونی است (وایت و هالمس، 2006). در حالیکه آمار فعالیت‌های پرتحرک و منفعل در میان بانوان افزایش یافته، آمار فعالیت‌های منفعل در میان مردان کاهش یافته است (به شکل شماره 12 و 13 مراجعه شود).

پس از اجرای روش طب سوزنی، فعالیت‌های مردان در بخش‌های گوناگون کاهش یافته است (به شکل شماره 17 مراجعه گردد). این موضوع که چرا فعالیت‌هایی مانند ماهیگیری و کمپینگ کمتر دیده می‌شود، مشخص نیست. وجود گیاه شفاف‌تر، فرصت ازدحام و فعالیت‌های مرتبط با آن، مانند پخت و پز و شستشو را کاهش می‌دهد. علاوه بر این، افزایش محبوبیت مکان به این معنی است که ممکن است برای انجام فعالیت‌هایی در لبه‌های طبیعی مانند تیراندازی هدف، نامناسب باشد.

افزایش قابل توجه حضور زنان در فعالیت‌های پرتحرک (به شکل شماره 16 و 17 مراجعه شود)، بهترین نتیجه‌ی این مطالعه به حساب می‌آید. کوپر مارکوس و دیگران ادعا می‌کنند که به دلیل وجود احساس ناامنی، زنان قشر اقلیت کاربران پارک را تشکیل می‌دهند. در این نمونه، پس از آنکه میزان محبوبیت بندر ماهیگیری به دلیل تغییرات جزئی افزایش یافت، مشکل احساس ناامنی در میان بانوان کاهش یافت. موقعیت تازه‌ی مکان و حضور و دید هرچه بیشتر در این محدوده از مهمترین عواملی هستند که منجر به افزایش آمار حضور بانوان شده‌اند. علاوه بر این، نقشه‌های وضع موجود نشان می‌دهند که پس از مداخلات، در حالیکه هنوز آفتاب گرفتن به فعالیتی معمول تبدیل نشده است اما بر میزان محبوبیت و استقبال از خط ساحلی افزایش یافته است (به شکل 10 مراجعه گردد). در حالیکه، قدم زدن در کنار ساحل با دوست یا خانواده، موجب افزایش تعداد بازدیدهای کلی (فعال) می‌شود. متأسفانه ماهیت روش مشاهده‌ی منفعل قادر به کشف انگیزه واقعی پشت ترجیحات فضایی نمی‌باشد.



شکل شماره 17: مقایسه‌ی تعداد بازدیدکنندگان در سال 2010 با 2011

نتیجه‌گیری:

متروک شدن شهری یکی از مشکلات کلیدی معماری، شهرسازی و برنامه ریزی معاصر است. مناظر در دوران پس از صنعتی شدن، پس از جنگ و پس از فروپاشی شوروی با آرایش جدید و با تغییر در بسیاری از جوانب تغییر داده شدند: بازه ای از ساختارهای موجود میان افزا با کارکردهای جدید تا از بین بردن تمام ساختارهای موجود و خاطرات آن و جایگزین نمودن این ساختارها با ساختارهای جدید.

سایت های متروک شهری می تواند مناظری جذاب و باارزش برای طیف متفاوتی از استفاده کنندگان باشد- کودکان، میانسالان، مادران جوان، ساکنان همسایگی و افراد بی خانان تنها تعدادی از گروه های استفاده کننده است. نتایج مطالعه نمونه موردی که در این جا ارائه شده است نشان دهنده ی ارزش سایت علی رغم وضعیت متروک آن است و پاسخ اولین سوال که در ابتدای مقاله مطرح شد، درباره ی طیف فعالیت‌هایی که در یک فضای سبز غیر قابل کنترل رخ می دهد.

سایت بندرگاه ماهیگیری یک فضای سبز مرکزی با ارزش های بازآفرینی بسیار است: پوشش گیاهی، سکوت و آرامش محیط و نزدیکی به دریا برخی از این ارزش هاست. به نظر می رسد قرار دادن تعداد اندکی تجهیزات مانند

نیمکت، کابین و پاکسازی بسیار جزیی محیط از بیابان به افزایش تعداد استفاده کنندگان به طرز قابل توجهی منجر خواهد شد. بنابراین ممکن است عنوان شود که مداخلات فضایی در درمان شهری هر دو موضوع زمانی که مردم در محیط های باز می گذرانند و همچنین تنوع فعالیتهایی که در هنگام حضور در فضای بیرونی انجام میدهند را افزایش داده است.

آزمایش درمان شهری به نظر می آید تاثیرات بسیار قابل توجهی را در مداخلات جزیی نشان می دهد. یکی از اهداف رویدادهای پایتخت فرهنگی سال 2011 این بود که توجه ات را به سواحل دریا جلب نماید- موضوعی که در شهرهای دیگری نیز در برنامه های توسعه ی شهری مورد توجه قرار گرفته است. در این نمونه ، پروژه های کوچک ، رویدادها و اینستالیشن ها فراتر از صرفا یک تاثیر نقطه ای رفتند. تاثیر بر روی "نقاط فشار" به تمرکز بیشتر بر روی مشکلات موجود در آبشار تالین از جمله مالکیت زمین ، برنامه های توسعه ی مجدد متناقض، سایت ها و ساختمان های رها شده و میراث صنعتی منجر شد. مردم، شهروندان و توریستها، اکنون بسیار نسبت به استقرارها در کیلومتر فرهنگ (موزه ی ماری تایم، خانه ی طراحی استونی، رویداد های پاپ-آپ در ساختمان هاو سایت های قدیمی صنعتی و غیره) و همچنین با مشکلات بزرگتر و فرآیندهای مرتبط با آبشار آگاه هستند: به عنوان شاهدهی برای این گفته اخیر میتوان از عمومیت قدم زدن موقت در میان استفاده کنندگان روزانه نام برد. بنابراین تاثیر "طب سوزنی" بسیار اساسی بوده است.

این یکی از پاسخ ها به سوال دوم درباره ی تاثیرات ممکن مداخله بر روی انتخاب های از پیش موجود استفاده کنندگان است. یافته ها نشان دهنده ی ارتباط بین فعالیت استفاده کنندگان و ویژگیهای فضا و محرک به عنوان مخالف تاثیرات ترس از فضای غیر قابل کنترل است. در حالی که به صورت عمومی تصور می شود که طراحان نسبت به استفاده کنندگان فضاهای باز غیر قابل کنترل را دارای رتبه ی بالاتری میدانند. مثال بالا نشان می دهد که استفاده کنندگان در حقیقت فضای سبزی را که متفاوت از یک پارک متداول است بیشتر مورد توجه قرار می دهند. به عنوان فضاهای سبز شهری هدف باید بهبود وضعیت جسمی و روانی همه باشد. این پارک غیر رسمی در حال حاضر مقصد بسیاری از ساکنان همسایگی است. این جنبه ی با ارزشی است که در هنگام برنامه ریزی توسعه مجدد

زمین های بایر شهری یا هر فضای سبز باید مورد توجه قرار گیرد. آشنایی و عکس العمل مستقیم استفاده کنندگان منبعی ارزشمند برای فرآیند برنامه ریزی است. اهمیت دانش و تجربه ی محلی و همینطور نیاز به درنظر گرفتن این فاکتورها در حال افزایش است. این موضوع " باعث افزایش فشار بر روی برنامه ریزان برای یافتن راهی برای ترکیب تجربه ی خود با دانش زمینه که تنها در اختیار ساکنین است " میشود. " برای به وجود آوردن محیطی کاملاً مرتبط، به صورت اجتماعی اختصاصی و قدرتمند " عکس العمل مستقیم استفاده کنندگان در سایت بندر ماهیگیری به تغییرات کوچک فضایی می تواند برای نشان دهد که در برخی موارد کمترین مداخلات ممکن و نظم جدید می تواند کیفیت را افزایش داده و از این رو قابل استفاده بودن فضا را بهبود بخشد. چیدمان عملکردی واقعی و محیط منبعی اساسی برای انگیزه بخشی و نمونه هستند. نمونه ای بسیار مهم.

References

- Armstrong, H., 2006. Time, Dereliction and Beauty: an Argument for "Landscape of Contempt". In: *The Landscape Architect*, IFLA Conference Papers, May 2006.
- Bell, S., 2008. *Design for Outdoor Recreation*, 2nd ed. Routledge, Abingdon.
- Casagrande, M., 2010. *Urban Acupuncture*, Retrieved on June 15th, 2013 from: <http://thirdgenerationcity.pbworks.com/f/urban%20acupuncture.pdf>
- Cooper Marcus, C., Miller Watsky, C., Insley, E., Francis, C., 1998. Neighbourhood parks. In: Cooper Marcus, C., Francis, C. (Eds.), *People Places: Design Guidelines for Urban Open Space*, Part 4. John Wiley & Sons, Inc., New York, pp. 85-148.
- Cosco, Moore, N.G., Islam, R.C.M.Z., 2010. Behaviour Mapping: A Method for Linking Preschool Physical Activity and Outdoor Design. *Medicine and Science in Sports and Exercise* 42 (3), 513-519.
- Cruz, T., 2005. Tijuana case study tactics of invasion: manufactured sites. *Architectural Design* 75 (5), 32-37.
- Edensor, T., 2005. *Industrial Ruins: Spaces Aesthetics and Materiality*. Berg, Oxford, New York.
- Edensor, T., 2008. Mundane hauntings: commuting through the phantasmagoric working-class spaces of Manchester, England. *Cultural Geographies* 15, 313-333.
- Franck, K.A., Stevens, Q., 2007. *Loose Space. Possibility and Diversity in Urban Life*. Routledge, London, New York.
- Gehl, J., 1987. *Life Between Buildings using Public Space*. Van Nostrand Reinhold, New York.
- Gibson, J.J., 1986. *The Ecological Approach to Visual Perception*. Lawrence Erlbaum Associates, Hillsdale, NJ.
- Goličnik, B., Ward Thompson, C., 2010. Emerging relationships between design and use of urban park spaces. *Landscape and Urban Planning* 94, 38-53.
- Harrison, A.L., 2013. Marco Casagrande and C-Lab, *Ruin Academy*, Taipei, Taiwan 2010-present. In: Harrison, A.L. (Ed.), *Architectural Theories of the Environment: Posthuman Territory*. Routledge, Oxford, New York.
- Hofmann, M., Westermann, J.R., Kowarik, I., van der Meer, E., 2012. Perceptions of parks and urban derelict land by landscape planners and residents. *Urban Forestry & Urban Greening* 11 (3), 303-312.
- Kaplan, R., 2001. The Nature of the View from Home: Psychological Benefits. *Environment and Behavior* 33, 507-542.
- Kyttä, M., 2002. Affordances of children's environments in the context of cities, small towns, suburbs and rural villages in Finland and Belarus. *Journal of Environmental Psychology* 22, 109-123.
- Kyttä, M., 2003. Children in outdoor contexts: affordances and independent mobility in the assessment of environmental child friendliness. Centre for Urban and Regional Studies, Helsinki University of Technology, Helsinki (Ph.D. Thesis).
- Landry, C., 2005. Urban acupuncture. *Planning Theory & Practice* 6 (1), 117-118.

- Lawson, B., 2005. *How Designers Think. The Design Process Demystified*. Architectural Press, Oxford.
- Nordh, H., Østby, K., 2013. Pocket parks for people—a study of park design and use. *Urban Forestry & Urban Greening* 12, 12–17.
- Roe, J., 2008. *The Restorative Power of Natural and Built Environments*. Heriot-Watt University, School of Built Environment, Edinburgh (Ph.D. Thesis).
- Roe, J., Aspinall, P., 2011. The emotional affordances of forest settings: an investigation in boys with extreme behavioural problems. *Landscape Research* 36 (5), 535–552.
- Stupar, A., Savcic, V., 2009. The New Urban Acupuncture: Intermodal Nodes between Theory and Practice. In: *Proceedings of the REAL CORP 2009*, 499–505.
- Tortosa, L., Vicent, J.F., Zamora, A., Oliver, J.L., 2010. A neutral network model to develop urban acupuncture. In: Setchi, R., Jordanov, I., Howlett, R.J., Jain, L.C. (Eds.), *Knowledge-based and Intelligent Information and Engineering Systems*. 14th International Conference, KES 2010 Cardiff. Springer-Verlag, Berlin, Heidelberg, pp. 31–40.
- Travlou, P., 2004. A Teenagers' Survivor Guide to Public Spaces in Edinburgh: Mapping Teenage Microgeographies. In: *Conference Tourist Places/Theories and Strategies*, Edinburgh.
- Travlou, P., 2007. Mapping youth spaces in the public realm: identity, space and social exclusion. In: Ward Thompson, C., Travlou, P. (Eds.), *Open Space: People Space*. Taylor & Francis, London, pp. 71–81.
- Unt, A.-L., Travlou, P., Bell, S., 2013. Blank space: exploring the sublime qualities of urban wilderness at the former fishing harbour in Tallinn, Estonia. *Landscape Research*, <http://dx.doi.org/10.1080/01426397.2012.742046>.
- Van Herzele, A., Van Woerkum, C.M.J., 2008. Local knowledge in visually mediated practice. *Journal of Planning Education and Research* 27 (4), 444–455.
- Weltman-Aron, B., 2005. Rhizome and Khôra: Designing Gardens with Deleuze and Derrida. *Bulletin de la Société Américaine de Philosophie de Langue Française* 15/2, 48–66.
- White, A., Holmes, M., 2006. Patterns of mortality across 44 countries among men and women aged 15–44 years. *Men's Health Gender* 3 (2), 139–151.